

خبرها

حسن پورشیرازی در سریال اعلامی

تصویربرداری مجموعه تلویزیونی «روزی که خواهیم مرد» به کارگردانی محمدرضا اعلامی و تهیه‌کنندگی سیدامیرسینزاده در یکی از باغ‌های اطراف تهران ادامه دارد. به گزارش سرویس تلویزیون ایسنا، تاکنون ۱۰ درصد تصویربرداری «روزی که خواهیم مرد» به اتمام رسیده است. این مجموعه تلویزیونی سعی بر شناخت و برطرف‌سازی زمینه‌های اجتماعی بروز جرم دارد و تقویت جرات و جسارت ستیز بیشتر با معضلات اجتماعی را دنبال می‌کند. تاکنون بازیگرانی چون: دانیال حکیمی، حسن پورشیرازی، لیلا بلوکات، بهینه کیمیایی و هوشنگ دباییان جلوی دوربین محمدرضا اعلامی قرار گرفته‌اند و تست گریم بر روی جواد رضویان و فقیه سلطانی طی روزهای آینده انجام می‌گیرد. مجموعه تلویزیونی «روزی که خواهیم مرد» جهت پخش از شبکه پنج سیما (تهران) تولید می‌شود.

اکبر عبدی حاکم بصره می‌شود



با پایان تصویربرداری در «خور» و «بیابانک»، ساخت مجموعه «جابرین‌حیان» به کارگردانی جواد افشار در کاشان ادامه می‌یابد. محمدمتقی انصاری-تهیه‌کننده این سریال- در گفت‌وگو با ایسنا با اعلام این خبر اظهار کرد: بخش‌های بیرونی کاخ حاکم بصره در باغ فین و قسمت‌های داخلی آن در خانه عباسیان تصویربرداری می‌شود و در کل، گروه به مدت یک‌ماه در کاشان به فعالیت می‌پردازد. وی در ادامه خبر داد: در لوکیشن کاشان، اکبر عبدی در نقش حاکم بصره، انوشیروان ارجمند (قاضی بصره)، کریم اکبری مبارکه (حاجب حاکم بصره) و فرهاد بشارتی (فرمانده سپاه بصره) بازی خود در سریال جابرین‌حیان را آغاز می‌کنند. «جابرین حیان» در ۱۳ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای برای پخش از شبکه الکتور ساخته می‌شود. تصویربرداری آن از ۲۴ اردیبهشت ماه سال جاری آغاز شده و ۴ ماه به طول می‌انجامد. بازیگران این مجموعه عبارتند از: حسن جوهرچی، عنایت بخشی، عنایت شفیعی، انوشیروان ارجمند، زیبا پورفه، حسن اسدی و کاظم افزندی.

حکایت سه کلاهبردار در ماه رمضان

«خوب، بد، زشت» به نویسندگی رضا علی‌زاده‌افشار و کارگردانی علیرضا افخمی برای پخش در ماه مبارک رمضان در ۳۰ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای در حال ساخت است. تاکنون ۳۵ درصد از کار تصویربرداری مجموعه به پایان رسیده است. این مجموعه که داستانی فرح دارد حکایت سه شریک است که طی یک برنامه‌ریزی کاملاً حرفه‌ای موفق به کلاهبرداری چند میلیاردی می‌شوند، اما در ادامه مسیر قصه به شکلی که آنها پیش‌بینی کرده‌اند، پیش نمی‌رود و ماجراهای پیش‌بینی نشده‌ای برای آنها رقم می‌خورد، آنها در رویارویی با موقعیت‌های پیچیده هر کدام نشانگر یکی از صفات خوب، بد، زشت هستند. در مجموعه «خوب، بد، زشت» بازیگرانی چون فتعلی اوبسی، ابوالفضل پورعرب، بهاره رهنما، مهتاج نجموی، سروش صحت، رضا توکلی، مرجانه گلچین، مهران رجبی، صدرالدین حجازی و بهمن دان ایفای نقش می‌کنند.

عطاران با مجموعه طنز در نوروز

رضا عطاران گفت: نگارش یک مجموعه طنز تلویزیونی نوروزی شبکه سوم سیما را آغاز کردم. این نویسنده و کارگردان در گفت‌وگو با خبرنگار گروه فرهنگ و هنر خبرگزاری کار ایران، ایلنا، با بیان این مطلب افزود: پس از پایان نگارش این مجموعه ۱۵ قسمتی که کار آن را مدتی است آغاز کرده‌ام وارد مرحله کارگردانی آن از پاییز سال ۸۵ خواهم شد. وی افزود: این طنز تلویزیونی به قارش گروه فیلم و سریال شبکه سوم سیما آماده می‌شود و تا پیش از آغاز مراحل پیش تولید آن نمی‌توانیم در خصوص همکاری با عوامل فیلم‌های گذشته خود و باگزینش افراد جدید اظهارنظر کنم. عطاران در پایان خاطرنشان ساخت: این فیلم جریان زندگی یک خانواده را تشریح می‌کند.

تولید گسترده تله‌فیلم

مهندس علیرضا برازش مدیر شبکه اول سیما با این موضوع گفت: با توجه به رسالت شبکه اول سیما و مسئولیت‌هایی که این شبکه به جهت فعالیت رسانه‌ای در مناسبت‌های ملی و مذهبی بر عهده دارد، با توافقات انجام شده «رسانه ملی، امسال ۳۶ تله‌فیلم ۹۰ دقیقه‌ای جهت پخش در مناسبت‌های مختلف تولید خواهد کرد.» مدیر شبکه اول سیما که به مناسبت آغاز به کار واحد تهیه‌کنندگان شبکه اول سیما در جمع مدیران و برنامه‌سازان این شبکه سخن می‌گفت با اشاره به عملکرد مناسب رسانه ملی در مناسبت‌های ملی و مذهبی تصریح کرد: «ساخت ۳۶ تله‌فیلم ۹۰ دقیقه‌ای که امسال به همت برنامه‌سازان و هنرمندان تلویزیون تولید خواهد شد، حرکت و اقدامی مناسب است که بخش زیادی از اهداف رسانه ملی را رقم خواهد زد و امیدواریم با این اقدام شاهد تحولی مناسب در تولید تله‌فیلم‌های مختلف باشیم.» برازش با اشاره به اینکه امسال بودجه سازمان صدا و سیما افزایش یافته اما میزان تولید نسبت به سال‌های گذشته افزایش کاهش نیافته است، گفت: «بودجه تولید ۲۶ فیلم نود دقیقه‌ای تأمین شده است و شبکه اول سیما در نهایت نسبت‌های مختلف و به مرور این آثار را تولید خواهد کرد.»

«دو نوع عقل داریم: یکی عقلی که مهمه. یکی عقلی که مهم نیست و اینو کسی نمی‌دونه.»

از متن فیلم «ایله»، ساخته آکیرا کوروساوا فیلمساز ژاپنی از شبکه چهار سیما پخش شد. کوروساوا این فیلم را بر اساس رمان مشهور «ایله» نوشته داستایوفسکی ساخت. این اقتباس کوروساوا بسیار طولانی از کار درآمد. استودیو شوچیکو که تهیه‌کننده این فیلم از کوروساوا بود، خواست که فیلم را کوتاه کند. روسای کمپانی اعتقاد داشتند تماشای فیلمی ۲۶۵ دقیقه‌ای برای تماشاگر خسته‌کننده است. کوروساوا نپذیرفت و در پاسخ به این درخواست گفت: «اگر این طور است فیلم را به طور عمودی کوتاه کنید!» شوچیکو اما بدون جلب نظر کوروساوا، صد دقیقه از فیلم را کوتاه کرده. در فیلم ایله که محصول سال ۱۹۵۱ است موری ماسایوکسی، میفسون توشیرو، هاراستسکو، کوکا یوشیکو و چیاکی مینورو بازی می‌کنند.

خلاصه فیلم

کامدا سربازی است که پس از پایان جنگ جهانی دوم با قطار رهسپار هوکایدو در شمال ژاپن است. او در راه با آکاما آشنا می‌شود. کامدا ادعا می‌کند که به بیماری «حماقت» دچار شده است. او به عنوان یک نیروی نظامی محکوم به مرگ می‌شود. اما در لحظه آخر از مرگ رهایی می‌یابد، ولی وحشت مرگ سبب می‌شود به بیماری‌ای مبتلا شود که منجر به حماقت او می‌شود. در هوکایدو او ناسوتائکو را می‌بیند و در چشمان او گذشته رنجبارش را رصد می‌کند. ناسو از بین آن همه مردی که می‌خواهند با او ازدواج کنند شیفته کامدای «ایله» می‌شود. اما در نهایت زندگی با آکاما را انتخاب می‌کند در حالی که همچنان دل در گروی کامدا دارد. کامدا با دختر اوثر آشنا می‌شود. مردی که وقتی اعلام شد کامدا مرده است، ۱۲۵ جریب از زمین‌های او را فروخته است. آیاکو به کامدا عشق می‌ورزد. اما کامدا باز هم به ناسوتائکو فکر می‌کند. . .

درباره کارگردان

آکیرا کوروساوا فیلمساز مشهور ژاپنی در ۲۳ مارس سال ۱۹۱۰ در توکیوی ژاپن متولد شد. او پس از تلاش در عرصه نقاشی، در سال ۱۹۳۶ به عنوان دستیار کارگردان پا به عرصه سینما نهاد. کوروساوا اولین فیلمش را در سال ۱۹۴۳ ساخت. پس از تجربیات مختلف در ژانرهای مختلف، کوروساوا در سال ۱۹۵۰، فیلم بسیار موفق «راشومون» را کارگردانی کرد. فیلم، جایزه اول جشنواره ونیز را برد و سبب شد غرب با پتانسیل سینمای ژاپن آشنا شود. او در سال ۱۹۵۱ نیز فیلم «ایله» را ساخت که اقتباسی از رمانی نوشته داستایوفسکی بود.

سال بعد فیلم «زیستن» او مورد توجه منتقدین غربی قرار گرفت. کوروساوا در سال ۱۹۵۴، فیلم مشهور «هفت سامورایی» و در سال ۱۹۵۷ فیلم «سریر خون» را ساخت که این دومی اقتباسی از یکی از آثار شکسپیر بود. سال‌های کم حاصل اوایل دهه شصت، در دسامبر سال ۱۹۷۱، کوروساوا را به سوی خودکشی سوق داد. اما او زنده ماند و با همکاری فرانسیس فورد کاپولا و جوج لوکاس که از هواداران سینمای او محسوب می‌شدند، فیلم «کاگه‌موشا» را ساخت. پنج سال بعد، او در دومین اقتباسش از آثار شکسپیر فیلم درخشان «آنتیو» را ساخت. او در دهه نود ساخت فیلم‌هایی شخصی همچون «راسپودی در آگوست» و «مادادایو» را تجربه کرد. کوروساوا فیلمسازی است که اگرچه سینمای ژاپن را با نام او می‌شناسند اما کشور خودش فیلمساز چندان محبوبی به شمار نمی‌رود. در ژاپن به خاطر اقتباس‌های کوروساوا از نویسندگان غربی چندان به او روی خوش نشان ندادند. اما او فیلمساز محبوب غربی‌ها و به‌خصوص فیلمسازان آمریکایی بوده است. علاقه فیلمسازان آمریکایی به او تا حدی بوده که بارها فیلم‌های او را بازسازی کرده‌اند.

آکیرا با قد یک متر و هشتاد و چهار سانتی متری اش در مقایسه با استاندارد قد مردم ژاپن بلندقامت بود و موقع کار یک سر و گردن بلندتر از همکارانش به نظر می‌رسید. مطبوعات ژاپنی بسیار کوشیدند از او تصویر آدمی مستبد را ارائه کنند. البته همه همکاران و بازیگران فیلم هایش هم عقیده هستند که او سر کار آدمی سرد و

فیلم‌های این هفته شبکه دو

فیلم‌های سینمایی «ادیسه ۲»، «گل مریم»، «سلطان نقاب‌ها» و «غلام» این هفته از شبکه دو سیما روی آنتن می‌رود. فیلم‌های سینمایی «ادیسه ۲» هفتم و هشتم مردادماه ساعت ۲۴ روی آنتن شبکه دو می‌رود.

این دو فیلم محصول مشترک کانادا، آلمان و انگلستان است که به کارگردانی آندری کنجالفسکی ساخته شده و جرالالدین چاپلین در آنها بازی می‌کند. داستان این دو فیلم درباره ادیسه است که برای جنگ به تروی می‌رود و در بازگشت دچار مشکلاتی می‌شود. فیلم سینمایی «گل مریم» ساخته حسن محمدزاده نهم مردادماه ساعت ۲۴ از شبکه دو پخش می‌شود. داستان این فیلم درباره زن و شوهری است که فرزند خود را در اثر حادثه‌ای از دست می‌دهند و زن به خاطر غم از دست دادن بچه دچار فراموشی می‌شود. در این فیلم مجید مظفری و افسانه پایگان بازی می‌کنند. «سلطان نقاب‌ها» عنوان فیلم سینمایی است که به کارگردانی وتیان مینگ ساخته شده است. این فیلم محصول ژاپن است و چو یوک در آن بازی می‌کند. داستان فیلم «سلطان نقاب‌ها» درباره پرمرمی است که هنر نمایش

نگاهی به فیلم «ایبله» ساخته آکیرا کوروساوا، پخش شده از سینما چهار

مثلت‌های عاشقانه

مجتبی پورمحسن



جدی بود.

هفته‌نامه اینترتینمت، آکیرا کوروساوا را به عنوان ششمین فیلمساز برتر تاریخ برگزید. او تنها کارگردان آسیایی حاضر در فهرست ۵۰ نفره این هفته‌نامه بود. کوروساوا هشتم سپتامبر سال ۱۹۹۸ در توکیوی ژاپن در گذشت.

از زبان کارگردان

«انسان‌ها در مشکلات عمومی با هم شریک هستند. یک فیلم تنها در صورتی درک می‌شود که این مسئله را دقیقاً نشان دهد.»

«در کل فیلم‌هایم، سه یا شاید چهار دقیقه سینمای واقعی وجود دارد.» «اینکه کسی در یک زمینه قوی باشد کافی به نظر می‌رسد. اگر انسان در زمینه‌های مختلف توانا باشد برای دیگران شاید خوب نباشد، نه؟» «در جهان دیوانه، تنها دیوانه‌ها، عاقل هستند.» «فیلمسازان با باید بگویم تمام آدم‌هایی که کارهای

خلاقه انجام می‌دهند، حریص هستند آنها هیچ وقت نمی‌توانند ارضا شوند. . . . به همین دلیل است که به کارکردن ادامه می‌دهند. مدت‌های طولانی توانستم کار کنم چون فکر می‌کنم دفعه بعد چیز خوبی می‌سازم.»

«با یک فیلمنامه خوب، کارگردانی خوب می‌تواند یک شاهکار بسازد. کارگردانی معمولی، همین فیلمنامه را به معمولی، همین فیلمنامه را به فیلمی قابل قبول تبدیل می‌کند.»

ایله داستایوفسکی از چشم کوروساوا

کوروساوا، فیلمسازی است که در کارنامه‌اش

چندین اقتباس از آثار مهم ادبی جهان به چشم می‌خورد. این فیلمساز ژاپنی بین دو شاهکارش یعنی «راشومون» و «زیستن»، فیلم «ایله» را کارگردانی کرد. ایله، رمان بلند داستایوفسکی، ماجراجویی تراژیک و عاشقانه است. در رمان داستایوفسکی شاهزاده میشکین همان ابلهی است که عاشق ناستازیا فیلیپونا می‌شود. کوروساوا در اقتباس سینمایی‌اش، کوشیده به رمان داستایوفسکی وفادار بماند. آیا واقعاً شخصیت‌های کتاب را عوض می‌کند و داستان را از

رحمانیان و ادا‌مه نیمکت

مجموعه تلویزیونی «در گوش سالمم زمزمه کن» به‌زودی در شبکه اول سیما جلوی دوربین می‌رود. «در گوش سالمم زمزمه کن» سری جدید مجموعه «نیمکت» است که به تهیه‌کنندگی شهاب‌الدین حجازی در گروه خانواده شبکه اول سیما تهیه می‌شود. با توجه به استقبال مخاطبین از برنامه نیمکت، شبکه اول در نظر دارد، سری جدید این مجموعه را به همان شکل و ساختار و با نام «در گوش سالمم زمزمه کن» تهیه کند، به همین منظور این مجموعه در حال حاضر در مرحله تحقیق و نگارش هفتم مرداد روزهای شنبه به جای سریال «دنیای افسانه‌ها» از شبکه دو سیما پخش می‌شود. رافائله مرتس در سال ۲۰۰۲ این سریال را ساخت. در مجموعه خارجی «افسران پلیس» با مدیریت دوبلاژ اکبر منانی از هفتم مرداد روزهای شنبه به جای سریال «دنیای افسانه‌ها» از شبکه دو سیما پخش می‌شود. رافائله مرتس در سال ۲۰۰۲ این سریال را ساخت. در مجموعه خارجی «افسران پلیس» مهرخ افضلی، منوچهر زنده‌دل، شهرباد بانکی، سعید شیخ‌زاده، فریبا رمضان‌پور، علی همت مومیوند، اصغر افضلی و مهرداد ارمان‌به عنوان گویندگان حضور داشتند.

قسمت اول این مجموعه درباره ربوده شدن پسر بچه‌ای تمامی داستان‌ها و ماجراهای این مجموعه در گوش سالمم زمزمه کن» سری جدید این مجموعه در گوش سالمم زمزمه کن» تهیه کند، به همین منظور این مجموعه در حال حاضر در مرحله تحقیق و نگارش متن به‌سر می‌برد و طرف‌نامه‌های آینده تصویربرداری آن آغاز می‌شود. این مجموعه که از حال و هوای مجموعه «نیمکت» برخوردار است، باز هم به صورت تله‌تئاتر و در فضایی استودیویی کار خواهد شد و تمامی داستان‌ها و ماجراهای این

خارج از دایره عقلی از کامدا سر نمی‌زند. اما یک ویژگی در رفتارهای کامدا او را از دیگران متمایز می‌کند. اگر شوک‌های عصبی هر ازچندگاهی کامدا را کنار بگذاریم، او شخصیتی آرام، دیگرخواه، مهربان و بی‌آزار دارد. اکثر افراد نیز همین ویژگی‌های شخصیتی او را دلیلی بر بلاهت او می‌دانند. در واقع در پس عنوان ایله کامدا حقیقتی تلخ نهفته است. در جهانی که کوروساوا روایت می‌کند انسانی با ویژگی‌های شخصیتی قابل احترام، ایله نامیده می‌شود. در جهان فیلم «ایله»، کامدا تنها شخصیتی است که هیچ‌گاه از پول حرف نمی‌زند. در حالی که اطرافیان او، ناب‌ترین احساسات انسانی را وارد مناسبات اقتصادی می‌کنند. در قسمت دوم فیلم وقتی همسرت اونو متوجه می‌شود که کاملاً صاحب ۱۲۵ جریب زمین شده تصمیم می‌گیرد به هر ترتیبی که هست نظر کامدا را تاویل به ابراز عشق به آیاکو کند. در صحنه پایانی فیلم آیاکو نیز با تعریفی که از کامدا ارائه می‌کند نقطه افتراق کامدا را با دیگران برجسته‌تر می‌کند. آیاکو می‌گوید: «کاش می‌توانستم مثل کامدا باشم و دیگران را دوست داشته باشم بی‌آنکه از آنها متنفر باشم.»

آکیرا کوروساوا با روایت داستان ایله در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، رویکرد انتقادی‌اش را به مسئله جنگ حفظ می‌کند. در فیلم، جهانی نمایش داده می‌شود که در آن آدم‌ها تحت تأثیر فشارهای پس از سال‌های جنگ، خلق و خوی انسانی را از یاد برده‌اند.

مثلت‌های عاشقانه

«ایله» فیلمی عاشقانه است که در آن، اصول اساسی قصه‌های عاشقانه وجود دارد. با این تفاوت که به جای یک مثلث عاشقانه، در طول فیلم با چند مثلث عاشقانه رویه‌رو هستیم. در جاهایی از فیلم این مثلث‌ها شکل می‌گیرند و در عرض چند دقیقه از هم می‌پاشند. در یک ساعت اول فیلم مثلث عاشقانه آکاما، ناسو و کایاما جای خودش را به مثلث آکاما، ناسو و کامدا می‌دهد. اگرچه در ادامه فیلم کامدا در مثلث دیگری با حضور کایاما و آیاکو نیز شرکت دارد. از بین عشق‌هایی که در فیلم دنبال می‌شود، عشق کامدا و آکاما به ناسو برجسته‌تر از بقیه است. این دو رابطه به عنوان دو تلقی متفاوت از عشق زیر ذره‌بین قرار می‌گیرند. عشق آکاما به ناسو، مبتنی بر خودخواهی آکاماست که ناسو را برای خودش می‌خواهد. آکاما در جایی از فیلم می‌گوید که گاهی از ناسو متنفر می‌شود وقتی می‌بیند که ناسو عاشق مرد دیگری (کامدا) است. عشق کامدا به ناسو اما مصداق بارز عشقی دیگرخواهانه است. کوروساوا خیلی خوب در فیلمش از قدرت دوربین برای نشان دادن جهان و رای چشم‌ها استفاده می‌کند. فیلم با زوم کردن روی مصایبی که در گذشته ناسو وجود داشته، با عدم بازگو کردن این مشکلات، کنجسکاو مخاطب را برمی‌انگیزاند. نکته مثبت دیگری که در فیلم به چشم می‌خورد حضور موثر کامدا در دو مثلث عشقی است. ضمن اینکه نباید از کنار شخصیت آکاما گذشت که در یک سوم پایانی فیلم، حضور ظاهر کم رنگش در صحنه‌ها در پشپرد قصه فیلم بسیار تأثیرگذار است. پی گرفتن ماجرای کامدا و آیاکو و پل زدن به عشق کامدا به ناسو باعث می‌شود که این عشق دیرین پررنگ‌تر شود.

پایان فیلم اما از نقاط ضعف فیلم به شمار می‌رود. اگر فیلم «ایله» با بی‌مهری منتقدین مواجه شده، شاید یکی از دلایلش همین پایان ضعیف فیلم باشد. کوروساوا روایتی خیال‌انگیز و فراواقعی را از مرگ کامدا و آکاما ارائه می‌کند. روایتی که هیچ سختی‌با بقیه فیلم ندارد. این گریز به روایت‌های فراواقعی در برخی از فیلم‌های دیگر کوروساوا، به‌خصوص فیلم‌های پایانی‌اش نیز به چشم می‌خورد. اما در فیلم ایله، انتخاب چنین شگردی درک تماشاگر از فیلم را مخدوش می‌کند. ضمن اینکه می‌توان تصور کرد اگر کوروساوا چند داستان فرعی را از فیلم حذف می‌کرد با فیلم شسته رفته‌تری مواجه می‌شدیم. اگرچه برش ۱۰۰ دقیقه از فیلم بدون جلب رضایت کوروساوا، دور از اخلاق حرفه‌ای به نظر می‌رسید اما از همین حالا می‌توان حدس زد که نسخه ۲۶۵ دقیقه‌ای فیلم که فیلمساز ژاپنی آن را شخصی‌ترین فیلم خود نامیده مطمئناً ملال‌آور به نظر می‌رسید.

سال سوم ■ شماره ۸۲۰ *شوق*

نقد

نگاهی به سریال نرگس

دیا لوگ‌های خسته‌کننده

محمدرضا خالقی زاده

چند شب پیش در یکی از بخش‌های خبری، کامران نجف‌زاده گزارشگر معروف و پرسرودای واحد مرکزی خبر که همیشه وقایع را از نگاهی دیگر به گیرنده‌های خانه‌ها می‌کشاند حین پخش مجموعه نرگس، سری زده بود به خانه کوچک پوپک گلدره که حالا دیگر فقط تابلوی عکسش را می‌شد روی طاقچه دید و صحبت و اشک‌های پدر و مادرش را که وقتی در سکناسی از نرگس می‌گوید: مادرجان، مادر ناخواسته جوابش را می‌دهد: جان مادرا! شب‌های تابستان امسال وداعی غم‌انگیز با یکی از چهره‌های دوست‌داشتنی بازیگری کشورمان. گرچه پوپک چند ماه پیش درگذشت و پیش از آن نیز ماه‌ها اسیر تخت بیمارستان بود اما این شب‌ها باورمان نمی‌شود که او رفته.

نرگس این روزها آنقدر درگیر بیماری مادر و بی‌مالاتی‌های نسرين خواهر کوچک‌تر از خود است که هرگز نمی‌توان باور کرد که از چند روز دیگر با بهتر بگویم چند قسمت دیگر جای خود را به ستاره اسکندری خواهد سپرد و خود در سکناس آخر زندگی پنجه در پنجه مرگ خواهد انداخت.

آری تماشای نرگس با این دانسته‌ها قدری آزارمان می‌دهد. با این مقدمه به سراغ مجموعه نرگس می‌روم. آخرین ساخته سیروس مقدم تا به امروز.

مقدم آثار جاودانی در کارنامه‌اش دارد و مجموعه‌هایی گاه‌ا پرطرفدار و موفق. نرگس هم گرچه هنوز در ابتدای راه قرار دارد اما به نظر کار موفقی می‌آید البته در قیاس با کارهایی که در این سال‌ها از تلویزیون دیده‌ایم. داستان مجموعه از این قرار است که خانواده محترم یک سال پیش پدر را از دست داده‌اند و هزینه درمان پدر، آنها را بسیار بی‌چیز کرده. مادر سعی می‌کند پیش برادر شوهر که ثروتمند است دست دراز نکند و زندگی خود و دخترانش را از راه خیاطی تأمین کند اما حمله قلبی و جراحی قلب او و همچنین روابط دختر کوچکش نسرين مسیر همه رخدادهای زندگی را عوض می‌کند. قصه مجموعه تلویزیونی نرگس از شاخه‌هایی تشکیل شده که در بسیاری از مواقع در تعلیق داستان موثر واقع می‌شوند.

رابطه نسرين و بهروز از طرفی و از سوی دیگر داستان احسان برادر سمانه دوست نرگس و نامه‌هایی که از طریق خواهرش به‌دست نرگس می‌رساند، یک بخش شکست‌خورده در آن سوی آب‌ها را روایت می‌کند و در تلاش است که پیشنهاد ازدواج را با نرگس به شکلی مطرح نماید که به نتیجه برسد.



نرگس از نقطه نظر فیلمنامه موفق است، حداقل موفق‌ترین کار مقدم در این سال‌های اخیر. این داستان و پیچ و خم‌هایش برای مخاطب لایح لمس است یک امتیاز بزرگ برای مسعود بهبهانی‌نیا نویسنده آن به حساب می‌آید، مسئله‌ای که حداقل در چند سال اخیر مجموعه‌هایی که از شبکه‌های مختلف پخش شده‌اند، کمتر به خود دیده‌اند. مسئله نسرين و بهروز یکی از آن مسائلی است که بسیاری از خانواده‌های ایرانی به آن چارزند و شاید به نوعی بتوان گفت یکی از معضلات اجتماعی ماست که علت افزایش میزان طلاق در جامعه ما به آن برمی‌گردد. بهبهانی‌نیا که ایستگاه خانه‌پذری و خاک سرخ را در سابقه کاری خود دارد، همواره به ملموس بودن شخصیت‌هایش و گره‌هایی که پیش پای آنها می‌گذارد، اهمیت دارد. آدم‌های او هیچ‌گاه از قشر و جنس خاصی نیستند و این در نرگس و در واکنش‌های خانواده‌حین تماشای مجموعه نرگس آشکار است.

فیلمنامه نرگس در شخصیت کاراکترهایش نفوذ می‌کند، تا آنجا که آنها خصوصیاتشان و درهایشان بیشتر و بیشتر خود را به کاربنمایان می‌دهد. به عنوان مثال برخورد بهروز با خانواده و یا خواهرانش نسبت به او و پدر.

نرگس به قولی رنجانمه دختری است که تلاش می‌کند، همه گره‌ها را به تنهایی بگشاید و در این میان اعتنایی به شکسته شدن خود ندارد.

سریال نرگس اما در کارگردانی همچون چند کار پایانی سیروس مقدم ضعیف است. بعد از اینکه هیچ‌گونه کار، حرکت یا نمای نویی از مقدم در نرگس نیز شاهد نیستیم باید اشاره کرد که او در انتخاب بازیگران و حتی درآوردن راضی‌کننده فیلمنامه مطلوب عمل نکرده است. مقایسه کنید عذاب‌آور بودن روابط نسرين با خانواده‌اش و تمسخرانگیز بودن روابط در خانواده شوکت که هیچ‌گونه تناسبی با هم ندارند. بازی‌ها با اینکه عنوان بازیگردان نیز در تیتراژهای این مجموعه وجود دارد، به چشم نمی‌آید. پورشیرازی با آن سابقه و مهن ترابی و مهمن و با گلدره هیچ‌کدام کار خاصی یا نمای خاصی یا حس خاصی را در نقش خود به مخاطب نمی‌دهند و این یکی دیگر از ضعف‌های کارگردانی است که از پراکراهای تلویزیون به حساب می‌آید.